



# ترکان خوارزمی در غرب آسیا

## نگاهی به کتاب «ترکان خوارزمی در شرق نزدیک اسلامی»

• سیاوش یاری

درآمد:

حکومت خوارزمشاهیان متکی به نیروی مجموعه‌ای از قبایل ترک بود که بعضی از آنها همچون قنقلی‌ها (بستگان ترکان خاتون)، در تاریخ شهرت دارند. به علاوه در آستانه حمله مغول، ده‌ها هزار نیروی ترک در خدمت این حکومت بودند. اگر چه عده زیادی از این اعضای قبیله‌ای و سپاهی در جریان حمله مغول کشته شدند، اما از قرائن و شواهد چنین پیداست که بیشتر آنها پراکنده شدند و یا در ساختار اجتماعی و سیاسی عصر مغول و ایلخانی مستحیل گردیدند. صبری سلیم محقق عرب در کتاب خود کوشیده است، به ردیابی و ترسیم جایگاه تاریخی آن عده از این ترکان که به مناطق غربی جهان اسلام رفته‌اند، بپردازد، فهرست مطالب کتاب او از این قرار است:

– مقدمه صبری عبداللطیف سلیم

– اقلیم خوارزم

– سلاطین خوارزم

– شکست جلال‌الدین و سرانجام او

– پراکندگی خوارزمیان

۱- سلاجقه روم

– حرکت دسته اول خوارزمی‌ها به اخلاط و آناتولی

– وفات سلطان علاء‌الدین کیقباد به سال ۶۳۴ هـ.

– حرکت دسته دوم خوارزمی‌ها به آناتولی و الجزیره

۲- ایوبی‌ها

– خوارزمی‌ها و شام

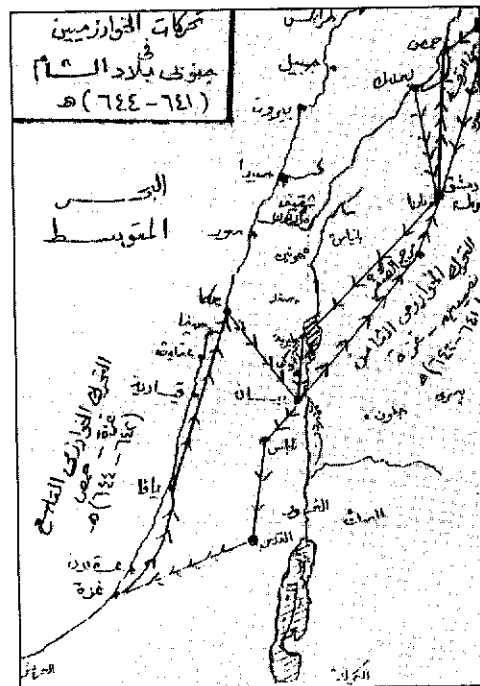
– حرکت دسته سوم خوارزمی‌ها به حران و دمشق

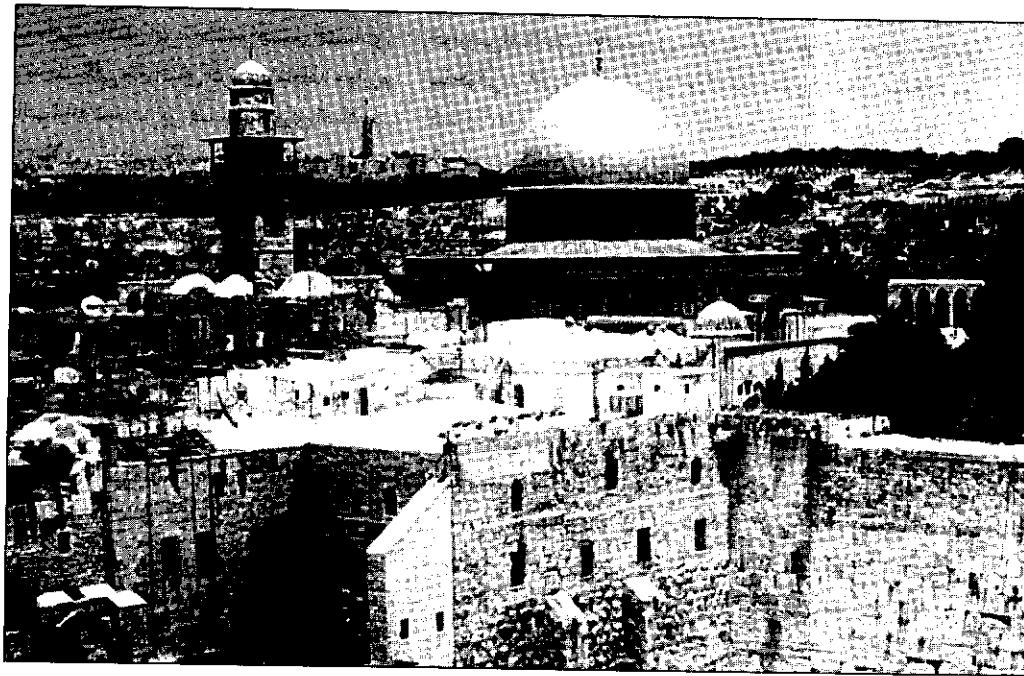
□ الأتراك الخوارزميون في الشرق الأدنى الاسلامی (۶۲۸-۶۴۴ هـ.)

(الاناضول - الجزیره - الشام)

□ تألیف: دکتر صبری سلیم

□ ناشر: مکتب الثقافه الدینیه، قاهره، ۱۴۱۹ هـ. ۲۰۰۰ م.





صبری سلیم در فصل اول کتاب  
ضمن اشاره به روابط «علاء  
الدین کیقباد سلجوقی» با  
عباسیان و مغولان، به نخستین  
برخورد های سلاجقه روم با  
جلال الدین که اخلاط را  
محاصره نموده بود، می پردازد

کتاب الدولة الخوارزمیه و المغول توسط حافظ احمد حمدی، در سال ۱۹۷۸ م. در بغداد کتاب الدولة الخوارزمیه نشأتها و علاقاتها مع الدول الاسلامیه، نظمها العسکریه و الاداریه ۶۲۸-۴۹۰ ه. توسط دکتر نافع توفیق العبود و در سال ۱۹۸۷ م. کتاب التاريخ السياسی للدولة الخوارزمیه توسط دکتر عفاف سید صبره در قاهره منتشر شدند. با این حال مباحث این کتب همان طوری که از نام آنها پیداست بیشتر معطوف به تاریخ سیاسی خوارزم و روابط خارجی آن در زمانی است که این دولت حیات سیاسی داشته است.

ویژگی اثری که اکنون به معرفی آن پرداخته می شود آن است که فعالیت ها و کروفه های خوارزمیان را در زمانی که این دولت سقوط کرده و خوارزمیان پراکنده شده و به سرزمین های همجوار پناهنده می شوند، مورد بررسی قرار می دهد.

کتاب مذکور، تاریخ خوارزمیان را در فاصله سال های ۶۲۸ ه. ق تا ۶۴۴ ه. ق، مورد بررسی قرار می دهد و کل مباحث آن را می توان به پنج مبحث تقسیم نمود:

- (۱) پراکندگی خوارزمیان در اواخر سال ۶۲۸ ه. ق.
- (۲) مهاجرت خوارزمیان به آناتولی و سرزمین های سلاجقه روم (۶۲۸ تا ۶۳۴ ه. ق)
- (۳) فرار خوارزمیان به سرزمین جزیره و روابط آنان با ایوبیان و عباسیان (۶۳۴ تا ۶۴۱ ه. ق)
- (۴) کوچ خوارزمیان به سرزمین شام و درگیری هایشان با صلیبیون در قدس و غزه و یافا (۶۴۲ تا ۶۴۴ ه. ق)
- (۵) پایان کار خوارزمیان و نتیجه مباحث

- حرکت دسته چهارم خوارزمی ها به حران و حلب
- حرکت دسته پنجم خوارزمی ها به حران و حماة
- استیلای ایوبیان
- حرکت دسته ششم خوارزمی ها به حران و عانه
- نتایج درگیری های خوارزمی ها و ایوبیان در سال ۶۳۸ ه.
- حرکت دسته هفتم خوارزمی ها به عانه و نصیبین
- حرکت دسته هشتم خوارزمی ها به نصیبین و غزه
- ۳ - صلیبیون و سقوط قدس به سال ۶۴۲ ه.
- اتحاد صلیبیون شام
- جنگ دوم غزه در سال ۶۴۲ ه. ق
- حرکت دسته نهم خوارزمی ها به غزه و حمص در سال ۶۴۲ ه.

ق

- محاصره دمشق در سال ۶۴۳ ه.
- محاصره مجدد دمشق
- سیاست نجم الدین ایوب
- جنگ حمص در سال ۶۴۴ ه.
- سرانجام خوارزمیان
- خاتمه
- منابع و مأخذ

\*\*\*

کتاب الاتراک الخوارزمیون فی الشرق الادنی الاسلامی (۶۲۸-۶۴۴ ه.) چهارمین کتابی است که در چند دهه اخیر به زبان عربی در مورد خوارزمشاهیان نوشته شده است. در سال ۱۹۴۹ م. در قاهره

هدف ایوبیان از همکاری با خوارزمیان، استفاده از نیرو و قدرت آنها برای تصرف برخی مناطق و یا دفع دشمنان خود بوده است که البته گاهی موفق می‌شدند و زمانی نیز خوارزمیان به آنها خیانت می‌کردند

صبری سلیم محقق عرب در کتاب خود کوشیده است، به ردیابی و ترسیم جایگاه تاریخی آن عده از ترکان خوارزمی که به مناطق غربی جهان اسلام رفته‌اند، بپردازد

در بخش مقدماتی کتاب مطالبی در مورد اقلیم خوارزم، محدوده جغرافیایی آن، وجه تسمیه، آب و هوا و میزان بارندگی، نژاد و زبان ساکنان خوارزم، نقش شرایط و عوامل جغرافیایی در ویژگی‌های انسانی و رفتار و عادات خاص ساکنان این منطقه، اهمیت اقتصادی و تجاری این منطقه و به طور کلی جغرافیای تاریخی منطقه خوارزم آورده شده است. مطالب ارائه شده در این قسمت، چیزی اضافه بر مطالب دایرة المعارف اسلامی به زبان انگلیسی ندارد.

از دیگر مباحث فصل مقدماتی، بحث راجع به سلاطین خوارزم به صورت موجز و مختصر از انوشنگین غرچه تا سلطان جلال الدین منکبونی است. مؤلف به چگونگی شکل‌گیری دولت خوارزمشاهیان و روابط آن با سلجوقیان به خصوص اتسز و سنجر اشاره کرده و در دورهٔ تکش و سلطان محمد نیز به اقدامات این دو سلطان و مناسبات آن دو با دولت عباسیان می‌پردازد. شرح درگیری سلطان محمد با الناصر لدین الله، انتخاب خلیفه علوی از طرف سلطان محمد، لشکر کشی وی به بغداد و شکست سپاهیان در اسدآباد همدان از مهم‌ترین مباحث این بخش است. نویسنده در پایان این قسمت بحثی در مورد علل شکست سلطان محمد و خوارزمشاهیان در برابر مغولان مطرح نموده است. او نیز معتقد است که اگر سلطان محمد سپاهیان را پراکنده نمی‌نمود، البته در مقابل مغولان به سادگی دچار شکست نمی‌شد.

مؤلف به دنبال مبحث شکست خوارزمشاهیان از مغولان، مطالبی را در مورد اقدامات سیاسی و نظامی سلطان جلال الدین مطرح نموده است. او یکی از خوش‌شانسی‌های سلطان جلال الدین را مرگ الناصر لدین الله می‌داند، چرا که جانشینان او به خصوص المستنصر سیاست دشمنی با خوارزمشاهیان را دنبال نکردند. مستنصر از فرستاده سلطان جلال الدین در بغداد استقبال کرد. در این قسمت به کر و فرهای سلطان جلال الدین در هند، اصفهان و دیگر نواحی اشاره شده و در نهایت علل ناکامی‌های سلطان جلال الدین و اشتباهات سیاسی و نظامی وی فهرست‌وار بیان گردیده است. در انتهای فصل مقدماتی نیز بحثی با عنوان پراکندگی خوارزمیان آمده که در آن به طور اختصار مسیرها و مکان‌های حرکت خوارزمیان که در فصل‌های بعدی به تفصیل در مورد آنان صحبت شده، آمده است.

#### فصل اول: سلاجقه روم

نویسنده در این فصل ضمن اشاره به روابط علاء الدین کیقباد سلجوقی با عباسیان و مغولان، به نخستین برخوردهای سلاجقه روم با جلال الدین که اخلاط را محاصره نموده بود، می‌پردازد. سپس حرکت نخستین دسته از خوارزمی‌ها به اخلاط و آناتولی را توضیح می‌دهد. این خوارزمیان تحت سرکردگی قیرخان، برکه خان، کشلوخان و صاروخان قرار داشتند و حدود ده هزار پیاده و دوازده هزار سوار بودند که البته باید زنان و فرزندان خوارزمیان را نیز بدان اضافه نمود. در ادامه این مبحث چگونگی استقرار خوارزمیان و شرایط کنار آمدن سلجوقیان روم با آنان بیان شده است. سلجوقیان بنا را بر آن

گذاشتند که ابتدا خوارزمیان را به «ارزروم» و سپس به «قیصریه» منتقل کنند که البته بین راه دچار حمله مغولان شدند و بسیاری از خوارزمیان به قتل رسیدند، به هر صورت سلطان سلجوقی به سران خوارزمی اقطاعاتی اختصاص داد. به زعم مؤلف، هدف سلطان سلجوقی از این کار گرد آوردن خوارزمیان در یک محل مشخص و کنترل آنان و استفاده از آنها با هدف حفظ مستملکات سلجوقیان از خطرات خود خوارزمیان و یا تهاجمات دیگر بود.

از دیگر مباحث فصل اول بحثی کوتاه راجع به وفات سلطان علاء الدین کیقباد و جانشینی فرزندش ملک عزالدین قلیج ارسلان است. ملک عزالدین در همان سال (۶۳۴ هـ) درگذشت و حکومت به فرزندش غیاث الدین کیخسرو رسید. در این بحث کوتاه اشاره‌ای به چگونگی روابط قیرخان، سرکردهٔ خوارزمیان با سلاطین جدید شده است. غیاث الدین اعتمادش را به قیرخان از دست داد، بنابراین به طور ناگهانی دستور دستگیری و حبس او را صادر کرد و او در زندان درگذشت.

در ادامه مطالب این فصل، به حرکت دوم خوارزمی‌ها به آناتولی و الجزیره اشاره شده است. دستگیری و درگذشت قیرخان در زندان باعث رعب و وحشت دیگر خوارزمیان شد و آنان به سوی ملطیه راه افتادند و از آنجا به سوی خرتیرت (قلعه زیاد) حرکت کردند. در ادامه بحث به چگونگی روابط خوارزمیان با صاحبان این قلعه و دیگر ملوک منطقه توجه شده است. البته گسیل فرستاده نزد صاحب قلعه فایده‌ای در بر نداشت و سرانجام جنگ تکلیف را روشن نمود. خوارزمیان پیروز شدند و غنائم زیادی به دست آوردند. پس از آن خوارزمیان بر سَمِساط، حران، رُها، رقه و مروج مسلط شدند. این پیروزی‌ها حاکمان نواحی اطراف را به وحشت انداخت. در ادامه بحث، مؤلف به طور مختصر نتایج اقتصادی این تحرکات خوارزمیان را نیز مطرح کرده است و در انتهای این مبحث به تلاش سلطان سلجوقی روم برای بازگشت خوارزمیان اشاره شده است. هدف سلطان استفاده از خوارزمیان در نبرد با ایوبیان بود.

#### فصل دوم: ایوبیان

تصرف برخی مناطق از جمله حران، رها و رقه توسط خوارزمیان، ایوبیان را به وحشت انداخت. نجم الدین ایوب حاکم منطقه سعی کرد از طریق دوستی با خوارزمیان که متشکل از پانزده هزار سوار بودند، کنار بیاید.

به هر صورت نجم الدین ایوب از طریق پیوند خانوادگی و ازدواج دخترش با برکه خان و ازدواج پسرش با دختر برکه خان، روابط خود را با خوارزمیان تحکیم کرد. با این حال با مرگ پدرش الکامل، خوارزمیان سر از اطاعت او برداشتند. در ادامه این مبحث مؤلف چگونگی این رخداد و پیوستن خوارزمیان به ملک منصور صاحب ماردین را شرح می‌دهد. سپس به حرکت سوم خوارزمی‌ها به حران و دمشق می‌پردازد. در این قسمت به خوبی نشان داده شده است که هدف ایوبیان نیز استفاده از نیرو و قدرت خوارزمیان برای تصرف برخی مناطق و یا دفع دشمنان خود بوده است که البته گاهی موفق

می‌شدند و زمانی نیز خوارزمیان به آنها خیانت می‌کردند. به هر صورت تا سالیان متعددی خوارزمیان از مهم‌ترین یاران ملک نجم‌الدین ایوب بودند. خوارزمیان در این زمان نقش مهمی در تعادل قوا در ممالک متصرفی ایوبیان در مصر و شامات داشتند.

در ادامه فصل دوم، مؤلف به حرکت چهارم خوارزمی‌ها به حران و حلب می‌پردازد. تسلط خوارزمیان بر حلب پس از شکست ملک معظم تورانشاه حاکم این منطقه روی داد. در این زمان بسیاری از حاکمان منطقه چون ملک جواد حاکم دمشق، ملک حافظ حاکم قلعه جعبر و ملک صالح حاکم حمص از خوارزمیان حمایت می‌کردند. شکست حاکم حلب از خوارزمیان تلفات سنگینی به آنان وارد ساخت. حلبیان تعداد زیادی از نیروهایشان را از دست دادند و تعدادی نیز به اسارت خوارزمیان درآمدند.

مبحث بعدی کتاب حرکت پنجم خوارزمی‌ها به حران و حماة در سال ۶۲۸ هـ. ق. است. مباحث این قسمت نیز شرح درگیری خوارزمیان با برخی حاکمان منطقه و نقش این مناقشات در تضعیف دنیای اسلام به نفع صلیبیون است. حرکت پنجم خوارزمی‌ها نیز به آنان تلفات زیادی را وارد ساخت. ادامه این مطلب شرح حرکت ششم خوارزمی‌ها به حران و عانه است. در خلال این امر بسیاری از خوارزمیان تلف شدند؛ برخی در رود فرات غرق گردیده و برخی نیز در صحنه نبرد کشته شدند. از مباحث دیگر این قسمت، روابط خلیفه عباسی المستنصر بالله با خوارزمیان است. پس از آن به گونه‌ای فهرست وار به نتایج درگیری‌های ایوبیان با خوارزمیان اشاره و سپس حرکت هفتم خوارزمی‌ها به عانه، نصیبین و خابور بیان شده است. یکی از ویژگی‌های این قسمت توجه کلی به دنیای اسلام و نقش درگیری‌های منطقه‌ای در پیروزی‌های مغولان و صلیبیون است. حرکت هشتم خوارزمیان به نصیبین و عانه نیز مستلزم دسته‌بندی‌های جدید و درگیری‌های مکرر و قتل بسیاری از خوارزمیان و دیگر مسلمانان منطقه بود. همچنین در این قسمت به تلاش اوکتای قاآن برای تسلط بر میافارقین توجه گردیده است. حکام منطقه در این زمان سعی در جلب حمایت خلیفه جدید عباسی و در واقع آخرین خلیفه عباسی یعنی المستعصم بالله داشتند. در این زمان خوارزمیان متشکل از ده هزار سوار بودند.

#### فصل سوم: صلیبیون و سقوط قدس در سال ۶۴۲ هـ. ق.

در این فصل ابتدا به تفصیل وضعیت گروه‌های مختلف در شامات و فلسطین تشریح گردیده و موضع‌گیری‌ها و دسته‌بندی‌های مربوط ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین مباحث این فصل نیز مسأله تفرقه مسلمانان و تعدد حکومت‌های مسلمان و درگیری حکومت‌های محلی و نقش خوارزمیان در این دسته‌بندی‌ها و درگیری‌هاست. در واقع مؤلف در این فصل عوامل ضعف مسلمانان و دلایل عدم اتحاد آنان در این دوره و درگیری‌های مداومشان و حتی گاه اتحاد آنها با حکومت‌های صلیبی را از قول مستشرقین بررسی و سپس به نقد و بررسی نظریات آنها پرداخته است.

مبحث اصلی، چگونگی سقوط قدس و تصرف آن توسط

خوارزمیان است. بنا به نقل از مورخان آن عصر که مؤلف در کتاب خود آورده، خوارزمیان به قتل عام مسیحیان پرداخته و حتی مقبره معروف به قبر عیسی (ع) را خراب کردند و قبور پادشاهان غربی را نبش نمودند. علل رفتار تند خوارزمیان با صلیبیون در این ناحیه و همچنین اقامت آنان در این شهر از دیگر موضوع‌های این بخش است.

از دیگر مطالب فصل مورد نظر می‌توان به جنگ بین مسلمانان (ایوبیان) با صلیبیون در سال ۶۴۲ هـ. ق. و نقش خوارزمیان در پیروزی بزرگ مسلمانان در این جنگ اشاره کرد. در این جنگ مسلمانان بسیاری از صلیبیون را به قتل رسانده و یا به اسارت خود درآوردند. در پی آن نتایج و آثار غیر نظامی از جمله تبعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این جنگ بیان شده است.

کتاب صبری سلیم تنها کتابی است که سرگذشت واپسین خوارزمیان را با استفاده گسترده از منابع عربی، فارسی و غربی به خوبی مورد بررسی و موشکافی قرار داده است

مبحث بعدی نهمین حرکت خوارزمی‌ها به غزه و حمص در سال ۶۴۲ هـ. ق. است. در طی این حرکت، خوارزمیان، یافا و برخی سرزمین‌های دیگر فلسطین را غارت کردند. آنان در اوایل سال ۶۴۳ هـ. با همدستی نیروهای ملک صالح نجم‌الدین ایوب حاکم مصر، دمشق را به محاصره درآورده و پس از تصرف آن به قتل و غارت و ویرانی شهر پرداختند. پس از این واقعه بین خوارزمیان و نجم‌الدین ایوب اختلاف افتاد و این امر منجر به جدایی خوارزمیان از وی و پیوستن آنان به متحدان جدید گردید که نتیجه این امر محاصره مجدد دمشق توسط این نیروها بود. نجم‌الدین ایوب با گردآوری نیروهای خود و بهره‌گیری از کمک متحدانش در منطقه، خوارزمیان و متحدانشان را شکست داد و بدین ترتیب محاصره دوم دمشق پایان یافت.

خوارزمیان پس از آن به سوی حمص حرکت کردند، در سال ۶۴۴ هـ. در این منطقه جنگی رخ داد که در نتیجه آن بسیاری از خوارزمیان به قتل رسیده و یا به اسارت درآمدند. از جمله این اسرا می‌توان به برکه خان اشاره کرد.

اسرا که شامل زنان و فرزندان آنان نیز می‌شدند، نزد ملک ناصر حاکم حلب فرستاده شدند. آنجا نیز با آنان برخورد خوبی صورت نگرفت و پس از تحمل سختی فراوان، آنان را برای خروج از حلب آزاد گذاشتند. خوارزمیان نیز به سوی حران و سپس از آنجا به سوی شمال رود فرات حرکت کرده و این بار به خدمت مغولانی درآمدند که این نواحی را تصرف کرده بودند. اکنون دیگر خوارزمیان به کلی پراکنده شده بودند. برخی دیگر از آنان به سوی بیت المقدس حرکت کرده و یک بار دیگر به خدمت ملک ناصر درآمدند. نجم‌الدین ایوب از این وضعیت احساس خطر کرد و با یک حمله آنان را متواری و حامیانشان را شکست داد. بقیه خوارزمیان نیز یا به کلی از بین رفته و یا در سرزمین شام یا مصر و دیگر سرزمین‌ها به حیات خود ادامه دادند ولی حیات سیاسی نظامی آنان دیگر خاتمه یافته بود.

کتاب حاضر تنها کتابی است که سرگذشت واپسین خوارزمیان را با استفاده گسترده از منابع عربی، فارسی و غربی به خوبی مورد بررسی و موشکافی قرار داده است این کتاب را می‌توان مکمل خوبی برای کتاب خوارزمشاهیان نوشته ابراهیم قفس اوغلی دانست.